فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

گفت‌وگوی ویژه

سید مرتضی نبوی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# «هیات عالی نظارت» برخاسته از متن قانون اساسی است

**در هفته‌های اخیر و همزمان با افزایش تلاش‌های دولت برای تصویب سریع‌تر لوایح مرتبط با گروه ویژه اقدام مالی، به‌خصوص لایحه الحاق به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم، جایگاه قانونی «هیات‌عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط مدافعان تصویب این لوایح به‌شدت زیر سوال برده می‌شود. برای پاسخ به شبهاتی که در این خصوص مطرح می‌شود، به سراغ دو نفر از اعضای «هیات‌عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام» رفته‌ایم که متن گفت‌وگوها را در ادامه می‌خوانید.**

محمدحسین نظری
روزنامه‌نگار

**پس از ورود هیات‌عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام به مساله لوایح چهارگانه بحث‌هایی درباره این هیات جدیدالتاسیس در گرفت. برخی موضوع غیرقانونی بودن آن را مطرح کردند و برخی هم گفتند که ورود این هیات به بحث لوایح چهارگانه نوعی بدعت است. به‌خصوص اکثر نمایندگان مجلس در این‌باره موضع گرفتند. درباره چرایی و چگونگی تشکیل این هیات توضیح مختصری بفرمایید.**

هیات عالی نظارت درحقیقت از طرف رهبری ماموریت دارد که بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام نظارت کند. چون طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی تدوین سیاست‌های کلی و مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام به عهده رهبری است. به تبع آن نظارت بر حسن اجرای آن را نیز رهبری برعهده دارند. اینها در اصل ۱۱۰ قانون اساسی آمده است. مطابق این اصل، رهبری می‌تواند برخی ماموریت‌ها و وظایف خود را به شخصیت حقیقی یا حقوقی محول کند. ایشان چند سالی است که نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی را به خود مجمع واگذار کرده بودند.

**حدودا از چه سالی این تفویض اختیار اتفاق افتاد؟**

تقریبا از دو دوره قبل مجمع بود. به هرحال از دوره جدید مجمع برای اینکه در امر نظارت موثرتر باشد، رهبری ابلاغ فرمودند که اعضای مجمع از بین خود هیاتی را انتخاب کنند که اینها بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظارت کنند. لذا در این دوره جدید مجمع ۱۵ نفر را انتخاب کرد که به‌عنوان هیات‌عالی نظارت شروع به فعالیت کردند. درواقع اینها از سوی رهبری ماموریت دارند بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظارت کنند.

پس درحقیقت این وظیفه و اختیاری است که رهبری دارند که بر سیاست‌های کلی که ابلاغ می‌کنند، نظارت کنند و ایشان هم این ماموریت را به این هیات عالی نظارت محول کرده‌اند. بنابراین طبق قانون اساسی رهبری مسئول نظارت بر سیاست‌های کلی هستند و مهم‌ترین جایی که سیاست‌های کلی باید رعایت شود هم امر قانونگذاری (مجلس شورای اسلامی) است. درحقیقت باید ببینیم اینهایی که مخالف هستند این اختیار را برای رهبری قائل هستند و قانون اساسی و اصل ۱۱۰ و بندهای یک و دو را قبول دارند یا خیر.

اگر رهبری بخواهد نظارت کند و ببیند که در قوانین مجلس شورای اسلامی سیاست‌های کلی رعایت می‌شود یا خیر چه باید بکند؟ ایشان طبق آخرین بند اصل ۱۱۰ که گفته است رهبری می‌تواند یک‌سری از وظایف خود را محول کند، این را به هیات عالی نظارت محول کرده‌اند. لذا این هیات از طرف رهبری مصوبات مجلس را بررسی می‌کند و خود ایشان هم این ترتیب را مقرر فرمودند در فرصتی که شورای نگهبان برای بررسی دارد، این هیات نظر خود را به شورای نگهبان بیان کند و شورای نگهبان هم زمانی که نظر خود را - که درحقیقت بررسی مغایرت یا عدم‌مغایرت مصوبات با قانون اساسی و شرع است - به مجلس شورای اسلامی منعکس می‌کند، نظر این هیات را هم انتقال می‌دهد. لذا این کانالی است که رهبری تعیین کردند و این اختیاری است که در قانون اساسی برای رهبری پیش‌بینی شده است. اعضای این هیات هم منتخب مجمع از بین اعضا هستند و حتی نظر رهبری این بود که بین اعضا اشخاصی که خود باید مورد نظارت قرار گیرند و درواقع موضوع نظارت هستند، حضور نداشته باشند. یعنی رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه عضو این هیات نباشند. هنگامی که آیین‌نامه‌ای تهیه کردیم و خدمت ایشان دادیم، نظر رهبری بر این بود که این افراد نباید عضو هیات باشند، به دلیلی که عرض کردم. این کل فرآیندی است که درباره چرایی و چگونگی تشکیل هیات عالی نظارت می‌توان گفت. به نظر من نقد و نظرهای مطرح‌شده حاکی از آن است که نمایندگان محترم مجلس و به‌خصوص برخی اعضای هیات‌رئیسه یا به این موارد توجه ندارند و قانون اساسی را نخوانده‌اند یا اینکه قانون اساسی کشور را قبول ندارند و درواقع نقد آنها متوجه قانون اساسی است.

**به نظر می‌رسد درمورد چرایی هم نکات بیشتری وجود دارد که باید گفته شود. با توجه به اینکه از حدود سال ۷۸ که رهبری وظیفه نظارت بر سیاست‌های کلی را به مجمع تشخیص محول کردند، چه دلیلی داشت که چنین هیاتی تشکیل شود؟ پیشنهاد خود مجمع بود؟ اختلالی وجود داشت؟**

این تدبیر خود رهبری بود نه پیشنهاد مجمع. به نظر می‌رسد دلیل اصلی این اقدام هم آن بود که می‌خواستند نظارت موثرتر باشد. چون نظارت طبق آیین‌نامه‌ای انجام می‌شد که باز به تصویب رهبری رسیده بود و مجمع آن را تهیه کرده بود. آنجا فرآیند طولانی داشت یعنی یک «کمیسیون نظارت» بود که تعداد زیادی از قوای مختلف عضو بودند و بعد از این بررسی‌های کمیسیون باید در مجمع تصویب می‌شد و فرآیند طولانی داشت. بنابراین عملا زمانی که مجمع تشخیص مصلحت مسئول نظارت بود و طبق آن بر این اساس بود که در این دوره رهبری چنین تدبیری کردند تا امر نظارت موثرتر و چابک‌تر انجام شود.

**دوره مسئولیت اعضای این هیات هم مانند سایر اعضای مجمع پنج‌ساله است؟**

بله. همین‌طور است.

**با توجه به اینکه وظیفه این هیات نظارت بر سیاست‌های کلی است، درخصوص نسبت آن با مجمع تشخیص و شورای نگهبان توضیحی بفرمایید. اگر تاکنون وظیفه مجمع نظارت بر سیاست‌های کلی بود، با وجود این هیات شرح وظایف مجمع تشخیص به چه صورت خواهد بود؟**

آن زمان که نظارت وظیفه مجمع بود هم باید نظرات را به شورای نگهبان می‌داد. در همان فرصتی که داشت به شورای نگهبان هم همراه ایرادات خود، نظرات مجمع را ابلاغ می‌کرد. شورای نگهبان هم با استناد به اصل ۱۱۰ قانون اساسی، موارد را به مجلس ابلاغ می‌کرد. رهبری در مکاتباتی که با دبیر شورای نگهبان داشتند، این سازوکار را ابلاغ کردند.

**با وجود تفویض این وظیفه به هیات نظارت که تقریبا یک کار تخصصی است، مجمع تشخیص چه وظیفه‌ای دارد؟**

مجمع تشخیص دیگر نقش نظارتی ندارد، آنچنان که قبلا داشت، الا وظیفه انتخاب این هیات که رهبری به مجمع سپرده‌اند. البته در مواردی اختلافی درنهایت مجمع است که با مصلحت‌سنجی تصمیم‌گیری می‌کند. مثلا فرض کنید در جایی مجلس شورای اسلامی علی‌رغم اینکه شورای نگهبان گفته فلان مصوبه مغایر قانون اساسی یا خلاف شرع است، اصرار روی نظر خود دارد، در این موارد مصوبات برای تشخیص مصلحت به مجمع ارجاع داده می‌شود.

**یعنی درموارد اختلافی این مجمع است که ورود می‌کند؟**

بله. فرض کنید هیات نظارت گفته این خلاف سیاست کلی است و مجلس می‌گوید من مصلحت می‌بینم که این خلاف سیاست کلی در این مقطع اجرا شود. ممکن است اصرار کند و در این صورت موضوع به کل مجمع منعکس می‌شود. بنابراین اگر مجلس بر نظری اصرار کند که هیات نظارت آن را مغایر سیاست‌های کلی می‌داند، شورای نگهبان می‌تواند آن را به مجمع بفرستد و مجمع هم از باب مصلحت وارد شود و به اقتضای شرایط نظر مجلس یا نظر هیات‌عالی نظارت را بپذیرد.

**فرآیند رابطه بین مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و هیات عالی نظارت به چه شکل است؟**

تا قبل از این طبق آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی باید همه مصوبات را برای مجمع تشخیص مصلحت ارسال می‌کرد. درنتیجه الان که وظیفه نظارت بر سیاست‌های کلی به هیات عالی نظارت محول شده باید برای این هیات بفرستند. ما که این مصوبات را دریافت می‌کنیم در هیات عالی نظارت بررسی می‌کنیم و اگر در جایی خلاف سیاست‌های کلی باشد به شورای نگهبان انتقال می‌دهیم و آنها به مجلس ابلاغ می‌کنند که این فرآیند همواره باید رعایت شود.

**بعد از اینکه هیات عالی نظارت به موضوع لوایح چهارگانه ورود کرد، برخی موضع‌گیری‌های جدی اتفاق افتاد. مثلا آقای آخوندی سرمقاله‌ای در یکی از روزنامه‌ها نوشت و به این مساله تاخت. حتی برخی اعضای هیات‌رئیسه مجلس نظیر آقایان مطهری و پزشکیان، نماینده‌های سرشناس مجلس و برخی اساتید حقوقدان هم.**

به نظر می‌رسد این اظهارنظرها می‌تواند از چند جهت باشد. یا اینکه واقعا نمی‌دانند و نشنیده‌اند که فلسفه تشکیل هیات نظارت چیست یا اینکه مستندات ابلاغیه رهبری برای تشکیل این هیات جایی منتشر نشده است...

در فاصله یکی دو ماه اخیر این توضیحات مکرر ارائه شده است. الان هم آخرین اظهاری که از ریاست مجلس شنیدم این بود که نظرات هیات نظارت را بررسی کردیم.

**یا یک جهت سوم هم این است که در مدت یکی دو دهه اخیر احتمالا مجمع تشخیص وظیفه نظارت بر سیاست‌های کلی را درست انجام نمی‌داده و این ورود هیات نظارت به نظر غیرمنتظره و نامعمول آمد....**

البته این مورد هم هست. فرآیند نظارت بسیار طولانی بود. رهبری خواستند این فرآیند کوتاه‌تر و موثرتر باشد. البته این مساله که برخی حقوقدان‌ها ایراد می‌گیرند احتمالا به این دلیل است که چیزی به نام سیاست کلی به این معنی که الان در قانون اساسی جمهوری اسلامی وجود دارد و جزء وظایف رهبری است، در قوانین سایر کشورها نیست و درواقع مساله‌ای منحصربه‌فرد است. به همین علت عجیب به نظر می‌رسد و برای برخی قابل درک نیست. اما اگر به قانون اساسی مراجعه کنیم این مساله طبیعی است. درمورد نمایندگان مجلس هم عرض کردم که احتمالا یا قانون اساسی را مطالعه نکرده‌اند یا با آن مشکل دارند.

نکته‌ای هست که باید اینجا مطرح کنم. به نظر بنده سیاست‌های کلی که مقام معظم رهبری قبلا به مجمع ابلاغ کرده‌اند نیاز به بازنگری و تغییر دارد. برخی صاحب‌نظران بر این باورند که سیاست‌های کلی حجم زیادی دارد و اینکه قانونگذار و مجری بخواهند همه اینها را رعایت کنند، قدری به نظر غیرممکن می‌رسد. یا برخی موارد خارج از تعریف «سیاست کلی» قرار می‌گیرد. مثلا در برخی موارد البته با نظر مشورتی مجریان سیاست‌های کلی، این سیاست‌ها قدری خرد یا جزئی می‌شد و در سطح سیاست‌های اجرایی و تقنینی و آیین‌نامه‌ای قرار می‌گیرد. این اشکالی است که خود رهبری هم نقدهایی درمورد آن داشتند و از مجمع خواستند که درباره برخی سیاست‌های کلی تجدیدنظر و نتیجه را به ایشان منعکس کند.

به نظر می‌رسد همین‌طور که جلو می‌رویم سیاست‌های کلی باید در جایگاه خود قرار گیرد، یعنی در سطح سیاست‌های کلی باشد که قاعدتا چیزی است بین قانون اساسی و مرحله تقنین و اجرا که جهت‌گیری‌های کلی کشور را روشن می‌کند. فرض کنید سیاست‌های جمعیتی واقعا سیاست کلی است. یک زمانی بحث از تنظیم جمعیت و زمانی هم افزایش جمعیت است. یا مثلا درباره نوع رابطه ما با آمریکا و سیاست‌های اصل ۴۴ یا سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اتفاق نظر وجود دارد که سیاست‌های کلی است. برخی از آنها هم ممکن است سیاست بخشی یا اجرایی باشد و سطح آن تنزل کرده باشد. این هم کاری است که برعهده مجمع قرار داده شده که تجدیدنظر کند. بنابراین این نکته را از این جهت عرض کردم که بین صاحب‌نظران بحث است که اگر این همه سیاست کلی بخواهد رعایت شود، قدری سخت است و نتیجه این می‌شود که هر قانونی را می‌توان گفت موافق سیاست کلی یا مغایر سیاست کلی است. جایگاه سیاست کلی باید تبیین و مشخص شود و در حد سیاست کلی و در سطح رهبری باشد، نه اینکه در سطح مدیریت‌های تقنینی و اجرایی و قضایی تنزل کند.

---

حسین مظفر در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# «هیات عالی نظارت» روند نظارت بر سیاست‌های کلی را تسریع می‌کند

**با توجه به بحث‌هایی که پیرامون «هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت» مطرح می‌شود، برای شروع بحث در مورد فرآیند شکل‌گیری این مجموعه کمی توضیح بفرمایید.**

با توجه به نقدهایی که مطرح می‌شود، به نظر می‌رسد افرادی که اظهارنظر می‌کنند، از مسائل مربوط به فلسفه تشکیل این هیات و نحوه شکل‌گیری آن بی‌خبرند. اولا در قانون اساسی تنظیم سیاست‌های کلی و نظارت بر آن برعهده رهبری است. رهبر معظم انقلاب می‌توانستند برای نظارت بر سیاست‌های کلی تشکیلات جداگانه‌ای راه بیندازند، اما این کار را نکردند و این مسئولیت را به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض کردند که تا قبل از این هم به عهده آنها بود؛ چنانکه در قانون اساسی هم آمده است که رهبری می‌تواند اختیارات خود را به فرد یا مجموعه‌ای واگذار کند. تا امروز مقام معظم رهبری این مسئولیت را برعهده مجمع تشخیص مصلحت نظام گذاشته بودند، اما بعد ایشان احساس کردند به یک مجموعه چابک‌تر نیاز است تا با سرعت و جدیت بیشتری کارها را پیگیری کنند. از آنجا که جلسات مجمع تشخیص یک هفته در میان تشکیل می‌شود و کارها آنچنانکه باید پیگیری نمی‌شود، این مسئولیت به یک هیات منتخب از مجمع تشخیص واگذار شد تا وظیفه نظارت بر سیاست‌های کلی جدی‌تر پیگیری شود. در واقع همان اختیاراتی که رهبری قبل از این به مجمع داده بودند، از این به بعد به منتخبی از مجمع واگذار کردند. به نظر می‌رسد این نه‌تنها خلاف قوانین نیست، بلکه کاملا منطبق با متن و منطق قانون اساسی است و اتفاقا به صلاح کشور هم هست، چون مقام معظم رهبری می‌توانستند برای این کار تشکیلات جداگانه‌ای را تدارک ببینند، اما با توجه به اینکه تشکیلاتی از قبل وجود داشت و افراد متخصص هم در آن حضور داشتند و این مجموعه خود پیشنهاددهنده سیاست‌های کلی است و با خطوط کلی نظام هم آشنایی کامل دارند، ایشان تصمیم گرفتند مجموعه جدید از میان همین تشکیلات انتخاب شوند و به کار نظارت بپردازند.

**سازوکار نظارتی این مجموعه به چه شکل است؟ انتخاب اعضا توسط مجمع تشخیص صورت می‌گیرد؟**

ابلاغیه‌ای که رهبری به اعضای جدید هیات عالی نظارت دادند، یک پیوست دارد که در آن پیوست ایشان همان اختیاراتی را که قبلا به مجمع داده بودند، به هیات عالی نظارت محول می‌کرده‌اند. تعداد اعضای این هیات هم با نظر رهبری انتخاب شده است. در واقع پیشنهادهای متعددی در رابطه با تعداد اعضای این هیات وجود داشت که حضرت آقا با تعداد ۱۵ نفر موافقت کردند.

**آقای مظفر! آیا مستندات ابلاغیه‌ای که می‌فرمایید جایی ارائه شده، به مجلس یا شورای نگهبان یا اینکه در رسانه‌ها منعکس شده است؟**

بله، پیوست حکم و متن ابلاغیه را آقای دکتر رضایی، دبیر محترم و برخی دیگر از اعضای مجمع تشخیص رسانه‌ای کرده‌اند و جای شک و شبهه‌ای در این رابطه وجود ندارد.

**اما با توجه به انتقاداتی که مطرح می‌شود، به نظر می‌رسد جایگاه این هیات درست تبیین نشده است. برای مثال آقای پزشکیان در این رابطه اظهارنظری دارند مبنی بر اینکه مجمع تشخیص نمی‌تواند هم قاضی باشد و هم شاکی، یا آقای مطهری ورود این هیات به بحث لوایح چهارگانه را نوعی بدعت می‌دانند و دیگران هم نظراتی مشابه به این را اظهار کرده‌اند....**

موضوع هیات عالی نظارت ربطی به مساله لوایح چهارگانه ندارد و مختص این ماجرا نیست. اینجا بحث نظارت بر سیاست‌های کلی نظام است که هر قانون مصوبی که می‌خواهد به شورای نگهبان بیاید، اگر با سیاست‌های کلی تعارض داشته باشد، حق رهبری است که عدم انطباق آن را بررسی کند که این اختیار برعهده هیات عالی نظارت نهاده شده است. همان‌طور که گفتم، این هیات چیز عجیب و غریبی - چنانکه دوستان می‌فرمایند- نیست. ماجرا این است که کاری را که تا به حال مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام می‌داد، از این به بعد هیات عالی نظارت انجام می‌دهد. همین....

**اما به نظر می‌رسد این هیات ۱۵ نفره یک مجموعه جدید است که همچنان برای برخی ناشناخته است.**

به نظر من این‌طور نیست. وظیفه نظارت را قبلا مجمع تشخیص انجام می‌داد و با ابلاغ رهبری این وظیفه به عهده این هیات گذاشته شده، بنابراین اگرچه هیات عالی نظارت یک مجموعه جدید است، اما از دل مجمع تشخیص بیرون آمده و همان کاری را که مجمع تشخیص تا به حال انجام می‌داد، انجام می‌دهد. دلیل این تغییر و تحولات هم همان‌طور که عرض کردم، این بود که فرآیند تشکیل مجمع تشخیص کمی طولانی بود برای اینکه امر نظارت تسهیل و تسریع شود. به نظر من فهم این موضوع آنچنان دشوار نیست و احتمالا انتقاد دوستان از جهت دیگری است.

**این شبهه هم مطرح می‌شود که شأن و جایگاه این هیات بالاتر از مجمع تشخیص و حتی شورای نگهبان است...**

اصلا این‌طور نیست. کار هیات عالی نظارت متفاوت از مجمع تشخیص است. وظیفه مجمع تشخیص بررسی معضلات نظام، تدوین سیاست‌های کلی نظام و... است، اما بحث نظارت به مجمع تشخیص مربوط نمی‌شود و وظیفه هیات عالی نظارت است که نظارت بر عملکرد این هیات هم برعهده خود مقام معظم رهبری است.

**بنابراین وظیفه نظارت بر سیاست‌های کلی نظام که تا به حال برعهده مجمع تشخیص مصلحت بود، از این به بعد با ابلاغیه رهبری مطلقا به هیات عالی نظارت محول شده و دیگر به مجمع مربوط نمی‌شود. با توجه به دلایلی که شما به آن اشاره کردید...**

بله، جایگاه حقوقی هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام در واقع همان جایگاه نظارت رهبر معظم انقلاب بر اجرای سیاست‌های کلی نظام توسط مجلس، قوه مجریه و قوه قضائیه است و نظارت رهبری را براساس بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی نمایندگی می‌کند.

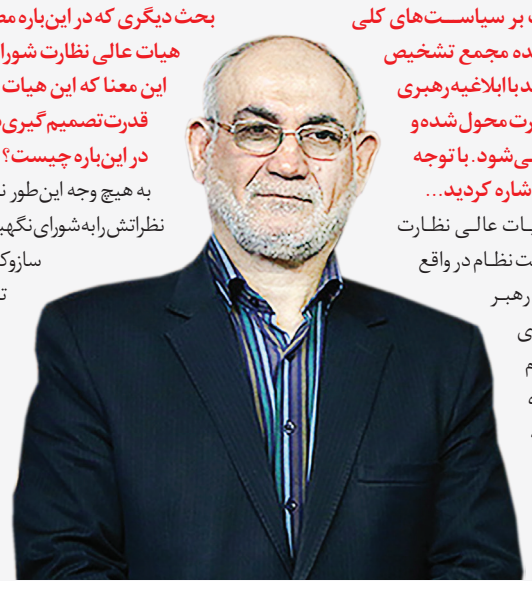

**با توجه به اشاره‌ای که به ابلاغیه رهبری داشتید و فرمودید مستندات هم ارائه شده، به نظر شما نقد برخی نمایندگان مجلس و حتی برخی حقوقدانان را از چه جهت می‌دانید؟ آیا دلایل سیاسی دارد؟**

تا امروز هرگاه از سوی کمیسیون‌های مجلس دعوت شده‌ایم، توضیحاتی را در مورد جایگاه حقوقی هیات عالی نظارت داده‌ایم تا کمیسیون را با خود همراه کنیم. افراد حاضر در هیات عالی نظارت، براساس رای اکثریت اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام انتخاب شده‌اند و نگاه سیاسی در انتخاب آنها وجود نداشته است.

بعضی از اساتید دانشگاه که تاکنون حقوق اساسی تدریس کرده‌اند، چون چنین اطلاعات و همچنین دستورالعمل مقام معظم رهبری را در اختیار نداشتند، اظهارنظرهایی کردند که حکایت از فقدان اطلاعات لازم می‌کند. در مورد نمایندگان مجلس و سایر دوستان هم بهتر است از خودشان بپرسید.

**بحث دیگری که در این‌باره مطرح می‌شود، این است که هیات عالی نظارت شورای نگهبانی دیگر است؛ به این معنا که این هیات مستقل از شورای نگهبان قدرت تصمیم‌گیری دارد. نظر هیات عالی نظارت در این‌باره چیست؟**

به هیچ وجه این‌طور نیست. هیات عالی نظارت نظراتش را به شورای نگهبان منتقل می‌کند. به نظر من سازوکار بسیار خوبی برای این هیات تدارک دیده شده است. این هیات اولین کاری که می‌کند این است که نظراتش را به مجلس اعلام می‌کند.

آنچه مجمع اعم از انطباق یا عدم انطباق به آن برسد، با حضور نماینده‌ای در کمیسیون مورد نظر به مجلس منتقل می‌کند تا زمانی که مصوبه کمیسیون در صحن علنی مجلس مطرح می‌شود، دیگر مغایرتی با سیاست‌های کلی نظام در آن وجود نداشته باشد....

**در مورد لوایح چهارگانه هم همین اتفاق افتاد؟**

درباره این موضوع اصلا مجلس از هیات عالی نظارت دعوت نکرد.

**خب بعد چه اتفاقی می‌افتد؟**

به‌طور کلی اگر از هیات عالی دعوت نشود یا پس از گفت‌وگو همچنان مغایرت‌ها پابرجا باشد و اصلاح نشود، مجمع موارد را به شورای نگهبان منتقل می‌کند و این شورا در کنار ایرادات خود به لوایح یا طرح‌ها، این موارد را نیز برای اصلاح به مجلس منتقل می‌کند. این‌طور نیست که هیات عالی نظارت به شورای نگهبان دستور بدهد، بلکه نظرات خود را در قالب پیشنهاد به شورای نگهبان ارائه می‌کند تا در کنار ایرادات خود این پیشنهادها را هم بررسی کند. وظیفه شورای نگهبان هم دوتاست؛ یکی انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع مقدس و دیگری انطباق با قانون اساسی. در قانون اساسی هم تعیین و نظارت سیاست‌های کلی برعهده رهبری است که شورای نگهبان باید اینها را در بررسی‌های خود مورد توجه قرار دهد. از جهت شرعی هم اگر بررسی کنیم، ولی‌فقیه حاکم شرع است و خلاف نظر ایشان خلاف شرع محسوب می‌شود. بنابراین آن نهادی که نهایتا در مورد مصوبات مجلس تصمیم‌گیری می‌کند، شورای نگهبان است نه هیات عالی نظارت.

**بنابراین در موارد اختلافی تایید هیات عالی نظارت شرط نیست؟**

هیات نظر خود را به شورای نگهبان منتقل می‌کند و درنهایت هم مجلس شورای اسلامی می‌تواند ترتیب اثر ندهد، اما درنهایت مصوبه با عنوان اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان به صحن مجمع تشخیص مصلحت نظام منتقل می‌شود و آنجا در رابطه با آن تصمیم‌گیری می‌شود. اتفاقا در برخی موارد ممکن است در هیات عالی نظارت و در مقام کارشناسی در رابطه با یک مصوبه نظر مخالف داشته باشند، اما همان مصوبه وقتی با عنوان یک مصوبه اختلافی به صحن مجمع تشخیص بیاید، نظر مصلحتی اعضا موافق باشد، بنابراین ممکن است حتی نظر یک شخص در هیات نظارت و صحن مجمع متفاوت باشد.